

لغو امتیاز بانک شاهنشاهی

علی طبری

دوره زمامداری پنجاه ساله ناصرالدین شاه که به عصر امتیازات معروف گشته است یکی از مقاطع کم نظیر در تاریخ ایران به لحاظ به یغما رفتن منابع و معادن کشورمان به شمار می‌آید. وجود دو کشور استعمارگر روس و انگلیس در تمام این مدت موجب صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد و منافع ملی کشورمان گردید که همانا تبعات آن تا دهه‌های بعدی نیز مشهود بود. قراردادهای ریزی و درستی که در دوره حکومت قاجارها بسته شد، نوعی لاقیدی و بی‌لیاقتی شاهان و حکام را به نمایش گذاشت. از میان قراردادهای اقتصادی که با انگلیسی‌ها منعقد شد رژی، رویتز، نفت و بانک شاهنشاهی تنش بسیاری در داخل و خارج از کشور به وجود آورد که اسناد این واکنش‌ها در آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی بایگانی است. بنابراین، در این مقاله با تکیه بر چند سند نویافته از این دست که در رابطه با تقاضای لغو امتیاز بانک شاهنشاهی و مربوط به سال ۱۳۲۷ ش است، تلاش می‌شود با بیان مقدمه‌ای کوتاه و گذرا از نحوه انعقاد و سرانجام قرارداد بانک شاهنشاهی، به بررسی چند سند مرتبط با این موضوع بپردازد. این اسناد که به گونه‌های بازگوکننده شرایط سیاسی و اجتماعی سال‌های پایانی دهه ۱۳۲۰ ش است، در واقع، گواهی بر استثمارستیزی مردم آزاده ایران است که با آوردن دلایل مستند مستدل و منطقی در کوتاه نمودن دست بیگانگان و به ویژه انگلیس از ثروت ملت ستم‌دیده ایران کوشیده‌اند.

قرارداد امتیاز بانک شاهنشاهی

دی سال ۱۳۲۷ برابر بود با شصت‌مین سال انعقاد امتیاز بانک شاهنشاهی میان حکومت ایران، و جورج دو رویتز، پسر دوم بارون ژولیوس دورویتز- که در سال ۱۸۷۲م، زمان ناصرالدین شاه و صدارت میرزا حسین خان سپهسالار قرارداد معروف به رویتز را با دولت وقت ایران منعقد نمود.

با اعتراضات مردم که نسبت به انعقاد قرارداد رویتر در کشور ایجاد شد، در عمل، ادامه همکاری و روند اجرای مواد این قرارداد غیرممکن گردید و تلاش‌های چندساله رویتر نتوانست حقی برای او ایفاء نماید، در نتیجه تا سالیان متمادی (نزدیک به هفده سال) خبری از او نشد.

اما به سال ۱۳۰۶ ق / ۱۲۶۷ ش پسرش جرج رویتر برای پیگیری دعاوی خود و به دست آوردن امتیاز دیگری، به جای امتیاز ۱۲۸۹ ق / ۱۸۷۲ م با اختیارات کافی از سوی او به تهران آمد و میانجیگری ولف، وزیر مختار انگلیس گفتگوهای خود را با دولت ایران آغاز کرد و پیشنهادهایی عرضه نمود. درخواست امتیاز تأسیس بانک در ایران یکی از پیشنهادهای او، رویتر پسر بود.^۱

به دستور ناصرالدین شاه شورایی زیر نظر امین‌السلطان صدراعظم برای رسیدگی دعاوی و درخواستهای رویتر جوان، تشکیل شد. حاصل این جلسات، موافقت با تأسیس بانکی بود که به تصویب شاه نیز رسید. گویا امضای این قرارداد ننگین با توجه به ماجرای لغو قرارداد رویتر پدر، به نوعی برای شاه قاجار و صدراعظم جبران گذشته بود. زیرا آنان در قبال امضای قرارداد رویتر حق و حساب خود را گرفته بود، ولی قدرت نداشتند، آن را عملی سازند و در نهایت ملغا شد.

لرد کرزن در این خصوص می‌نویسد: «این امتیاز از جهاتی جبران آبرومندی درباره آن مرد محترم به مناسبت بدرفتاری که در مورد امتیاز معروف ۱۸۷۲ م رویتر دیده بود به شمار می‌رفت.»^۲ اظهار نظر کرزن در نوع خود جالب است وی به این مهم اشاره نمی‌کند که رویتر می‌خواست تمام کشور را به نام خود ثبت کند و تمام منابع ایران را به یغما ببرد. لازم است از خجالت وی درآمد و امتیازی به وی و عقابش بخشید که جبران مافات شود!

به هر روی، آنچه مسلم است انگلیسی‌ها سهم خود را می‌خواستند و دربار فاسد ناصرالدین شاه نیز از عاملین این نوع سهم‌دهی‌ها و قراردادهای به شمار می‌آمدند.

عبدالحسین نوایی در کتاب ایران و جهان در خصوص نحوه انعقاد قرارداد و بانک شاهنشاهی می‌نویسد: «شاه قاجار واقعاً نمی‌دانست که «سناریو» در کجا نوشته شده و «پرسوناژها» چگونه معین شده‌اند. راستی هم شگفت‌زده شده بود که چطور بعد از هفده سال خون سیاوش به جوش آمده و داغ رویتر تازه شده و بیچاره نمی‌دانست که «سناریو» را «سر درومند ولف» نوشته و به دست جناب وزیر اعظم در حال اجرا است.»^۳ آنچه ناگفته پیداست امتیاز بانک شاهنشاهی سناریویی بود که بازیگران اصلی آن، امین‌السلطان، وزیر اعظم ناصرالدین شاه درومند ولف، سفیر انگلستان در ایران و جورج دو رویتر، پسر دوم بارون ژولیوس دو رویتر بودند.

با پیگیری‌های امین‌السلطان و سفیر مکار و باتجربه انگلستان در ایران بالاخره امتیازنامه به امضای شاه قاجار نیز رسید و «در چهارده فصل و در دو نسخه تنظیم شد. یک نسخه به امضای شاه و مهر و امضای وزارت امور خارجه و یک نسخه به امضای رویتر و ولف رسید (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۰۶ / ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ م / ۱۱ دی ۱۲۸۶) و قرارداد میان وزارت امور خارجه و رویتر مبادله گردید. رویتر نیز از تمام دعاوی خود درباره قرارداد ۱۲۸۹ ق صرف نظر نمود.»^۴

علاوه بر تأسیس بانک در اقصی نقاط کشور، بر اساس مواد امتیاز نامه، بانک اختیارات زیادی در عرصه اقتصادی به دست آورده بود، از جمله بهره‌برداری از معادن و راه‌سازی. همچنین از دیگر «... حقوقی که شاه به بانک شاهنشاهی داد انحصار نشر اسکناس بود که بر طبق ماده ۳ مقرر شد که مبلغ آن بدون اجازه دولت ایران از ۸۰۰۰۰۰ لیره تجاوز نکند و طی دو سال اول ۵۰ درصد و سپس ۳۳ درصد پشتوانه داشته باشد.»^۵ مدت زمان قرارداد هم شصت سال و آغاز آن از ۱۱ دی ۱۲۶۸ بود که بدین ترتیب، پایان آنرا می‌توان ۱۱ دی ۱۳۲۷ دانست.

بانک شاهنشاهی در سال اول و دوم شعبه‌های خود را در تبریز، رشت، اصفهان، شیراز، کرمان و مشهد دایر کرد و در سال‌های بعد شعبه‌هایی نیز در همدان، کرمانشاه، اراک، بروجرد، اهواز، شیراز، تبریز، خرمشهر، یزد، سیستان و رضائیه و حتی بصره و بغداد و بمبئی نیز گشوده شد. کارمندان محلی در هر یک از این شهرها به خدمت بانکی درآمدند. رؤسا و مسئولان شعبه انگلیسی بودند و انجام معاملات بانکی در اختیار آنان بود و هر یک از شعبه‌ها یک معاون ایرانی هم داشت.^۶

علاوه بر توسعه شبکه بانکی در خاورمیانه و شبه قاره هند که در دستور کار بانک شاهنشاهی بود، این بانک انعقاد قراردادهای جدید هم موفقیت‌هایی به دست آورد، از جمله امتیاز راه‌سازی راه شوسه تهران به خرمشهر و امتیاز ضرب سکه نقره: «در سال ۱۸۹۰م اسکناسهای جدید با خط فارسی و علامت شیر و خورشید در یک طرف و عبارت انگلیسی و عکس شاه در سمت دیگر با ارزش یک تومان تا هزار تومان نشر گردید. دولت ایران این بانک را عامل دریافت و پرداخت و هزینه‌ها و امور کلی مالی خود ساخت و بیشتر دولت‌های خارجی که با ایران روابط داشتند، آن را برای انجام کارهای ضروری خود واسطه قرار دادند. اهالی محلی هم به حد وفور جهت مبادلات تجارتي خود از آن استفاده می‌کردند.»^۷

انعقاد قرارداد بانک شاهنشاهی در زمان خود، اعتراض شدید دولت روسیه را نیز به دنبال داشت. در آن زمان، امین‌السلطان به سرعت در پی چاره‌جویی برآمد و در مقابل تهدیدهای سفیر آن کشور حاضر شد خواسته‌های روسیه را بی‌کم و کاست بپذیرد. روس‌ها که رونق بانک شاهنشاهی را دیده بودند و خود را در این جولانگاه بی‌نصیب می‌دیدند به سرعت درخواستهایی به قرار زیر از دولت ایران مطالبه کردند:

- ۱- امتیاز ساخت راه انزلی به تهران به دولت روسیه داده شود.
 - ۲- اختیار کشتیرانی در کلیه رودخانه‌هایی که به خزر می‌ریزند به روسیه تفویض گردد.
 - ۳- از این پس، دولت ایران بدون کسب اجازه از دولت تزار هیچ‌گونه امتیازی به هیچ دولتی ندهد. زیرا امکان دارد که دولت روسیه با شرایط آسان‌تر و بهتری آن امتیاز را بپذیرد.^۸
- به نظر می‌رسد درخواست‌های جدید روس‌ها چندان درآمد اقتصادی برای آنها نداشت. همچنین، آنچه امتیاز بانک شاهنشاهی را با اهمیت نموده بود، آنکه می‌توانست در اقصی نقاط کشور شعبه دایر نماید و نیز قراردادهای اقتصادی به ویژه در زمینه معادن و راه‌سازی منعقد نماید که بدین ترتیب مجدداً راه دخالت در امور داخلی کشورمان تسهیل نموده بود.

فعالیت بانک شاهنشاهی سال‌ها تداوم یافت تا آنکه به سال ۱۳۰۷ ش بانک ملی ایران توسط رضا

شاه افتتاح شد، دولت موقت طرحی را پیشنهاد نمود که انتشار اسکناس در اختیار بانک ملی قرار گیرد، «از این رو، وزارت بازرگانی در اواخر سال ۱۳۰۸ ش که بانک شاهنشاهی ایران وارد گفتگو شد که حق انتشار اسکناس را دولت ایران در اختیار بگیرد. ویکیلینسون، رئیس بانک، پیشنهاد دولت ایران را برای اداره مرکزی بانک در لندن فرستاد و اداره مرکزی بانک با پیشنهاد ایران موافقت کرد و پس از اعلان این موافقت روز ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۹ در وزارت دارایی میان مشارالملك، وزیر دارایی و رئیس بانک شاهنشاهی موادی به عنوان ضمیمه شماره ۵ امتیازنامه بانک به تصویب رسید.»^۶ در این مقاوله‌نامه، حق صدور اسکناس منحصرأً به دولت ایران واگذار گردید و عملاً قدری از اختیارات بانک شاهنشاهی کاسته شد.

این مهم‌ترین اقدامی بود که تا آن زمان در پی محدود کردن اختیارات بانک شاهنشاهی از بدو تأسیس آن - که در این زمان چهل و دو سال از آن می‌گذشت- اتفاق افتاد.

اما سال ۱۳۲۷ش، سال اتمام قرارداد بانک شاهنشاهی به حساب می‌آمد. با تغییرات عمده سیاسی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ و در پی اشغال متفقین و سقوط رضا شاه در ایرانی به وجود آمده بود و صدمات و لطمات جریان‌ناپذیری که مردم ایران در آن سال‌ها متحمل شده بودند، فضای بالنسبه باز سیاسی بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش به وجود آمد و فرصتی هر چند کوتاه برای عرض اندام طبقات متوسط و تحصیلکرده جامعه مهیا شد.

در این دوره، قشر جدیدی از روشنفکران و تحصیلکردگان ظهور نمودند که به نظر می‌رسد بیش از نسل قبلی خود، از بلوغ سیاسی برخوردار بودند. آنها به این نتیجه رسیده بودند که ایران‌ها بهتر از هر قوم و بیگانه‌ای می‌توانند مملکت خود را اداره کنند. خاطرات تلخ گذشته به ویژه دادن امتیازات ننگین در «عصر امتیازات» هنوز از ذهن مردم پاک نشده بود و حتی سایه شوم بسیاری از آنها هنوز بر سر مردم خیمه‌زده بود. در این مجال بود که نخبگان و روشنفکران و حتی تجار نوظهور که می‌خواستند خود را از حاشیه به متن پیوست زنده و نمونه‌هایی از آنها را می‌توان در دهه ۱۳۲۰ مشاهده کرد زمزمه‌هایی در پی لغو امتیازات و انحصارات خارجی بروز دادند که تا آن سال‌ها کم نظیر بود. جالب توجه آنکه این واکنش‌ها در سال‌های پیش از شکل‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت به وجود آمد.

همان‌طور که در سطور نخستین این مقاله اشاره‌ای گذرا به نحوه شکل‌گیری امتیاز بانک شاهنشاهی شد و خبر از اعتبار شصت ساله آن آمد، اکنون مدت زمان این امتیاز خاتمه یافته بود و مردم در تقاضاهایی که به مجلس و دیگر دوائر دولتی ارسال داشتند خواستار لغو این امتیاز به طور کامل بودند. آن‌چنان که از محتوای برخی از این اسناد پیداست، برخی بر این عقیده بودند که نباید به یکباره تمام امتیازات خارجی را لغو نمود، اما در مقابل، لغو کامل این امتیاز و به طور کامل برچیده شدن امتیازدهی را خواستار شدند.

از سویی افرادی که در زیر نامه و تقاضانامه لغو امتیاز بانک شاهنشاهی را امضاء کرده‌اند، بیشتر دارای رتبه علمی دکتری و مهندسی هستند. و این نشان از بالندگی و خودباوری جامعه آن روز ایران است که تا آن زمان این تعداد تحصیلکرده را بخود ندیده بود.

به نظر نگارنده، توضیح و توشیح در خصوص اسناد فوق لازم به نظر نمی‌رسد زیرا اسنادی که در پی

خواهند، به طور کامل گویاست.

اما اسنادی که در پی خواهد آمد، عبارت است از چهار سند که در هر یک به نوعی لغو سریع امتیاز بانک شاهنشاهی درخواست شده است که به لحاظ تاریخی و محتوایی از ارزش فراوانی برخوردارند.

سند شماره ۱

این سند، در واقع، نامه جمعی از اساتید دانشگاه تهران و اقسار تحصیلکرده جامعه، خطاب به مجلس شورای ملی است در سطر پایین سند نیز ذکر شده، «در جلسه پنجم بهمن ۱۳۲۷ نامه فوق توسط حائری‌زاده [رئیس مجلس شورای ملی] تقدیم و طبق ماده ۱۰۴ نظامنامه داخلی در مجلس قرائت شده است.» که نشان از اهمیت فوق‌العاده سند دارد.

سند شماره ۲

نامه جمع کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان تهرانی است که در پی میتینگ‌هایی که ایشان در تهران برگزار نموده‌اند، تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است. در این نامه، دو موضوع مورد توجه قرار گرفته است: نخست، تقاضای لغو امتیاز نفت انگلیس و سپس برچیده شدن دستگاه بانک شاهنشاهی و خاتمه دادن به فعالیت غیرقانونی این بانک. در میان اسامی که نامه را امضاء نموده‌اند، اشخاصی به چشم می‌خورد که در سال‌های بعد و در جریان نهضت ملی از چهره‌های معروف و تأثیرگذار آن به شمار آمدند.

سند شماره ۳

این سند نامه‌ای است که دکتر محمد کیهان به نمایندگی از یکصد و پنجاه نفر از پزشکان و مهندسان پایتخت خطاب به مجلس شورای ملی و در تقاضای پایان دادن به عمر بانک شاهنشاهی در ایران نگاشته شده است.

سند شماره ۴

نامه‌ای است که با عنوان «امتیاز بانک شاهی تمام» آغاز می‌شود و نام دکتر میمندی‌نژاد به تاریخ ۵ بهمن ۱۳۲۷ در انتهای آن درج شده است. آنچه مسلم است این نامه که به صورت چاپی تهیه شده بعد از اسناد شماره ۱ و ۲ و ۳ این مقاله به مجلس تقدیم شده است و در آن نگارنده تقاضا نموده، بدون هیچ اغراضی به عمر بانک شاهنشاهی خاتمه داده شود و دولتمردان بدون هیچ تساهل و تسامحی خواسته ملت را در برچیده شدن بانک مذکور پیگیری کنند.

سخن آخر

فرازی در سند شماره ۴ دکتر میمندی نژاد به نقل از روشنفکران نوشته شده است: «مگر می‌شود یکمرتبه پای انگلیسیها را که در رگهای حیاتی ما ریشه دوانده‌اند قطع کرد؟ مگر ممکن است تأسیسات را یکمرتبه از انگلیسیها پس گرفت؟ فرض کنیم ما بخواهیم مگر آنها عقلشان کم شده که آن‌ها را بما واگذار کنند.» سپس، از قلم و زبان خود می‌نویسد: «من نمیدانم این چه طرز تفکر است که ما ملت گرفتار آن شده‌ایم. برای ریشه کن کردن سرطان باید غده را بسوزانید و یا با چاقوی جراحی آن را قطع کرد. برداشتن نصف غده سرطان و اجازه دادن به نصف دیگر برای ادامه حیات فایده ندارد. زیرا چند صبحی که گذشت سرطان بزرگتر از اولی خواهد شد.»

شاید در آن زمان که کلیه استادان دانشگاه، مهندسان و پزشکان و روشنفکران ایران با شدت پیگیری برچیده شدن بانک شاهنشاهی بودند، این تلقی میمندی نژاد که برخی امضاء کنندگان نامه‌های درخواست لغو امتیاز بانک شاهنشاهی به مجلس شورای ملی استواری قدم نداشته‌اند، اشتباه بوده است، به طور کلی این اقدام امضاء کنندگان نامه‌های متعدد به مجلس شورای ملی دو پیام عمده به همراه داشت: یکی اینکه، عموم مردم ایران خواستار برچیده شدن امتیاز بانک شاهنشاهی و اتمام کار انگلیسی‌ها در ایران سبب رشد شده بودند و عملی شدن این خواسته، سبب رشد و پویایی بانک‌های وطنی به ویژه بانک ملی می‌شد. دیگر آنکه، یکی از راههای نفوذ و دخالت بیگانگان در کشور مسدود می‌شد و از غارت منافع ملی و ثروت مردم ایران جلوگیری به عمل می‌آمد، استقلال پولی و اقتصادی کشور حفظ می‌شد و این امر بر استقلال سیاسی کشور نیز تأثیر مستقیم داشت.

متن اسناد

سند شماره ۱

کمیسیون محترم عرایض

۱۳۳۷/۱۱/۱۲

۱۳۳۷/آذر/۳۰

ساحت مقدس مجلس شورای ملی

شصت سال قبل زمانیکه ظلمت استبداد سراسر کشور ما را فرا گرفته و پدران ما در تعیین سرنوشت خود و کشور خود کمترین سهمی نداشتند، هنگامیکه ملل استعمار طلب بیگانه میهن عزیز ما را میدان تاخت و تاز سیاستهای شوم و زبان‌آور خود قرار داده هر روز بنوعی و بهبهانه‌ای در امور داخلی ما مداخله مینمودند و زمامداران نالایق و فاسد ما با پیروی از سیاست تسلیم و مدارا در میدان سیاست بین‌المللی هر روز از سنگری بسنگر دیگر عقب‌نشینی میکردند و بالاخره موقعیکه پادشاهی عیاش فاسد و بی‌اعتنا بمصالح ملک و ملت در ایران حکومت میکرد امتیازی برای مدت شصت سال بیکی از اتباع انگلستان بنام «بارون ژولیوس دو رویتر» داده شد که حتی بتصدیق نویسندگان انگلستان بدانوسیله سند رقیّت و بردگی ایرانیان بامضاء رسید.

از این امتیاز بانک شاهنشاهی بوجود آمد و این مؤسسه بیگانه برای مدت چهل و دو سال برخلاف هر اصل و منطق مالی و اقتصادی انحصار صدور اسکناس را در این کشور را در دست داشت تا اینکه بالاخره این حق در سال ۱۳۰۹ با پرداخت دویست هزار لیبره انگلیسی از آن منتزع و ببانک ملی ایران واگذار شد. فجایی که این بانک در مدت شصت سال در این کشور مرتکب شده، منافع سرشاری که این مؤسسه بیگانه در اینمدت از کشور فقیر ما خارج ساخته، دخالت‌هاییکه این بنگاه صرافی! در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ما نموده و زین‌هاییکه این عامل اجرای سیاست خارجی بکاخ آزادی و استقلال ملت ایران وارد آمده هر یک داستانی دارد که کم و بیش بر افراد روشنفکر و میهن‌پرست ایران آشکار و مبرهن می‌باشد. پس از شصت سال عمل در ایران اکنون عمر این امتیاز شوم بسرآمده و این بانک باید طبق مواد امتیاز نامه کلیه موسسات خود را چیده و استقلال پولی و اقتصادی را که مدت شصت سال از ملت ایران سلب نموده بار دیگر بملت ایران بازگرداند. امروز بیش از هر روز وجود این بانک استقلال پولی و اقتصادی ما را مورد تهدید قرار میدهد بطوریکه با وجود این مؤسسه خارجی در ایران استقلال پولی و مالی معنی ندارد. وجود بانک شاهنشاهی در میدان اقتصادیات ایران باختیارات کنونی بیادگان نظامی خارجی میماند که هر آن میتواند استقلال اقتصادی ما را از درون کشور مورد تهدید قرار دهد. با وجود بانک شاهنشاهی در ایران بانک ملی ایران نمیتواند بر بازار پول و سرمایه ایران تسلط داشته برنامه‌های اصلاحی، عمرانی و اقتصادی را بنحو اتم و اکمل بمورد اجرا گذارد.

بانک شاهنشاهی مدعی است که اکنونکه عمر امتیاز آن بسرآمده میتواند مانند مؤسسات بازرگانی بیگانه در مملکت ما بفعالیت‌های خود ادامه داده و مانند بنگاهها خارجی تابع قوانین کلی کشور باشد در صورتیکه بانک خود بهتر از هر کس میداند که در هیچ کشوری بانکها مؤسسات عادی بازرگانی در مملکت با بفعالیت‌های خود ادامه داده و مانند بنگاههای خارجی تابع قوانین کلی کشور باشد در صورتیکه بانک خود بهتر از هر کس میداند که در هیچ کشوری بانکها با مؤسسات عادی بازرگانی در یک ردیف قرار نگرفته و در کشورهای آزاد و مستقل بانکهای بیگانه تابع قوانینی میباشند که فعالیت آنها را فوق‌العاده محدود میسازد. در مملکتی که افراد آن خواهان استقلال پولی و اقتصادی میباشند هرگز بانکهای بیگانه اجازه داده نمیشود که در شهرهای مختلف آن کشور شعبات جداگانه بوجود آورده بقبول سپرده از اشخاص، اعطای وام ببازرگانان و صنعتگران و دخول در معاملات ارزی پرداخته و بدینوسیله تسلط بانک مرکزی را بر بازار پول و سرمایه آنمملکت ضعیف و بلااثر گردانند.

در انگلستان، در آمریکا، در فرانسه و بالاخره در هیچ کشور آزاد و مستقلی بانکهای بیگانه نمیتوانند با اختیارات کنونی بانک شاهنشاهی بعمل پردازند. تاکنون ملت ایران بملت ایران اعطای امتیاز شصت ساله در دوره تاریک استبداد محکوم به تحمل مداخلات نامشروع این بانک در امور داخلی، اقتصادی و بازرگانی مملکت خود بود لکن اکنونکه عمر این امتیاز بسرآمده هیچ دلیل اقتصادی و منطقی وجود ندارد که ما در برابر اقدامات و تهدیدات این بانک خاموش نشسته و برخلاف کلیه کشورهای آزاد و مستقل دنیا باین بانک بیگانه آزادی عمل دهیم؟!

وظیفه بانک شاهنشاهی باید فقط و فقط تسهیل امور بازرگانی مابین ایران و انگلستان باشد و بس. این بانک باید از قبول سپرده بطور کلی، اعطای وام، داشتن شعبات در شهرهای ایران و خرید و فروش ارزهای خارجی مانند کلیه کشورهای دنیا محروم گردد. بعقیده ما چون بانک ملی ایران برخلاف بانکهای مرکزی آمریکا و انگلستان هنوز در مراحل صباوت بسر می‌برد و نیازمند تقویت میباشد باید بطور کلی از عمل بانکهای بیگانه در ایران جلوگیری نمود. در هر کشوری برای حفظ صنایع و موسسات ملی قوانین مخصوصی وضع و بمورد اجرا گذارده میشود. عوارض سنگین گمرکی و گاه منع ورود کالاهای بیگانه وسائل لازم جهت وصول باین هدف مقدس ملی میباشند. دلیل ندارد که بانکها که در اقتصاد مملکت عهده‌دار مهمترین و حساسترین نقشها میباشند از این روش کلی مستثنی باشند.

آقایان نمایندگان! امروز که عمر امتیاز بانک شاهنشاهی بسرآمده و ملت ایران فرصت مناسبی جهت بدست آوردن استقلال پولی و اقتصادی خود بدست آورده است ما بنام ملت ایران توجه شما را بمسئولیت و وظیفه‌ایکه بعدهه دارید معطوف داشته انتظار داریم که برای حفظ استقلال پولی و اقتصادی ایران به تصویب قانون لازم جهت محدود ساختن عملیات بانکهای بیگانه در ایران پردازید. امروز روز عمل و کوشش شماست. کاری نکنید که نام شما در تاریخ ایران به خیانت، بی‌ارادگی و عدم توجه بمصالح ملک و ملت ثبت شود. ما از نقطه نظر لزوم تقویت بانک ملی ایران معتقدیم که بانکهای بیگانه باید در ایران طبق قانون معین و مشخصی عمل نمایند و با آنها باید بهمان طریقی عمل شود که کشورهای دیگر با بانکهای بیگانه رفتار مینمایند.

یعنی این بانکها باید حداقل از قبول سپرده، اعطای وام در ایران، افتتاح شعبات در شهرهای کشور و خرید و فروش ارزهای خارجی محروم گردند.

[بی‌امضاء] نریمان

ع- دانشپور- دکتر محمود کیهان- دکتر شمس‌الدین جزائری- دکتر فضل‌الله مشاور- دکتر مسعود ملکی- دکتر محمدعلی مجتهدی- حسن صدر- دکتر ابراهیم عالمی- محمدعلی هدایتی- دکتر حسن ستوده- دکتر محمدحسین علی‌آبادی- ابوالحسن موحد- مهندس ر. رفعتی- حسین موحد- عبدالله نورائی- نصرالله فرخی- مهدی کامکار- مهندس- خبیری- مهندس مرتضی قاسمی- علی اکبر بامداد- محمدرضا نادر اصفهانی- عبدالحمید گلشن- تهمورس- آدمیت- دکتر یگانه حائری- م. پورسرتیپ- مهندس ب. سهراب- مهندس حسین عارفپور- جمشید مجتباتی- دکتر ا. نجم‌آبایی- دکتر ذهبی- مهندس م. صرابی- مهندس اسمعیل محمدی- مهندس خادم- مهندس سلیمان سهرابی- دکتر شهمنش- مهندس آسبقی- رضی عمید- ابوالقاسم ارباب‌زاده- دکتر علی یوسفی- مهندس کرمانی- علی اسفندیاری نوری- احمدزیرک‌زاده- مهندس هدایت‌الله فروهر- مهندس محمدکیوان- مهندس نظام‌الدین موحد- سیدعلی گلستانه- ابراهیم خروش- ابراهیم حیدری- اصغر رحیمی- مهندس علی اشکان- مهندس تشکری- ناصر موسوی- غلامحسین زیرک‌زاده- دکتر محمد درویش- محمد زیرک‌زاده- مهندس محمد کیانمهر- محسن عاملی- حسین میرزاده- ابوالفضل نجفی- علی اصغر طباطبائی- عطاءالله داودی صوفی- ابوالمجد

خطیر- ابوالمجد حجتی- مهندس ابوعلی نراقی- ع. جوانشیر- رحیم نامور- مهدی نیازمند- امیر شفازند- مهندس اوانسیان- بهرام شیبانی- اکبر مقاره- جلیل مجد- دکتر هادی خراسانی- غلامرضا خطیر- محسن زاهدی- کاظم طباطبایی- دکتر تقی رضوی- حسن فرشچی- دکتر جمهری- شیوا- هوشنگ رادپور- مهندس ذوالفقاری- مسعود سالور- عزیزالله خواجهیان- بهرام شیبانی- دکتر ابراهیم عزوی- ابوالقاسم طاهری- هژیر فندرسکی- مصطفی روسانی- فریدون نریمان- عزیز صلاحی- محسن بنی هاشم (مهندس)- یوسف نبوی- ا. هارطونیان- دکتر رضا سرداری- محسن هنریار- دکتر حسن قاضی- محمد شیریان- عباس صبوحی- محمد فیضی- ابوالفتح واجد- منوچهر جهان بیگلو- نادر علوی- تقی موسوی- فرهنگ ایمن- باقر موسوی- سید ضیاء اکبری- طه- مهندس عباسقلی خواجه نوری- کاظم عمادی- میرغنی رانکوهی- نصرت الله خواجه نوری- کاظم عمادی- میرغنی رانکوهی- فتح الله ثقفی مهندس جعفریان- اسمعیل هورسان- میراحمد رانکوهی- جواد مؤیدی- منوچهر نخبجوان- ابوالفضل قاضی لنگرودی- مهدی سحرخیز- علی اکبر ایلخانی- تیمور سهامی- فروهر- محمدحسن پاشا- نصرت الله خواجه نوری- مهندس امیر پای در- مهدی کمالیه- اسفندیار گودرزی- عباس چلیپا- جواد آزیر- دکتر محمدتقی سیاهپوش- جهانگیر بهروز- محمدجعفر محجوب- تقوای عراقی- محمود باستان- محمدعلی پایانه

در جلسه پنجم بهمن ماه ۱۳۲۷ نامه فوق بوسیله آقای حائری زاده تقدیم و طبق ماده ۱۰۴ نظامنامه داخلی در مجلس قرائت گردید. ۲۷/۱۱/۵

اداره دبیرخانه
۲۷/۱۱/۲۹

سند شماره ۲

نامه سرگشاده

ساحت مقدس مجلس شورای ملی
پیرو قطعنامه تقدیمی و متینگ دانشجویان که متضمن مستدعیات ایشان و معروف احساسات بی شائبه علیه قرارداد تحمیلی شرکت نفت بود بار دیگر نظر نمایندگان مجلس شورای ملی را بدین مسئله حیاتی که مورد علاقه ملت ایران بنام حفظ منافع ملی متوجه نموده و دانشجویان دانشگاه از نمایندگان با شهامت مجلس شورای ملی آخرین پناهگاه آزادی تقاضا دارند که نسبت به این امر حیاتی اقدام عاجل نموده و نام نیک خود را بر قلوب ایرانیان بنام مدافعین حقوق غصب شده ملت ثبت نمایند.
و نیز اعلام میداریم که بمبارزه شرافتمندانه خود بدون کوچکترین غفلتی برای قرارداد تحمیلی نفت و برچیده شدن دستگاه بانک شاهنشاهی که مدت آن منقضی ولی متأسفانه تحت عنوان دیگری مشغول عملیات غیرقانونی خویش است تا آخرین حد توانائی خود ادامه میدهیم.
در خاتمه نمایندگان با شهامت بما اطمینان کامل داشته باشند که حاضریم متن قرارداد تحمیلی نفت جنوب و استقرار دستگاه غیرقانونی بانک شاهنشاهی را با خون خود محو نابود سازیم.

تقی خزائی - مسیح عطارد - نورالله ملک زاده - عطاءالله داودی صوفی - توکل امیر ابراهیمی - داریوش فروهر - محسن پزشک پور - محمد مهرداد - کاظم غفاری - غلامعلی وحدتی - محمدعلی فرزبان - منصور مفیدی - جواد تقی زاده - محسن عاملی - منوچهر عدنانی - یدالله حسین زاده - حسن امینی فرد - اسدالله رفعتی - هوشنگ هادیان - مهدی اردلان - عنایت اختری - حسین ابطحی - مهندس مهین - عیسی بهادری - ابوالقاسم صمدی - محمد رضوی - عماد رهنما - احمد نبی پور - مصطفی مهدتی - سید احمد مدنی - محمود میرزائی - خسرو غفاری - سید ابوالحسن رضوی - مجید مجیدی - نبوی زاده - مهدی هادی - حسن جوادی - سید نصرالله دانش - ناصر مجد - هوشنگ بهارلو - خشایار سرتیپ پور - محمد بهاریان - صفوی - پرویز ندیمی - حسن میرزائی - یوسف زرافشان - علی اکبر رضوانی - اکبر انصاری - تهرانی - تاجبخش - علی اکبر ضیائی - امان الله مهاجر - داریوش برومند نژاد - محسن صدر حقیقی - ناصر پرویزی - رضا میرفصیحی - هاشم حکیمی - یدالله شهبازی - جلال عنایت - غلامرضا حمید - علی فربخش - سید ابوالفضل دادخواه - احمد رفیعی - سید محسن ستایش - سید حسین هاشمی - ضیاء مدرسی - امیر نوروز ناصری - محمود میرسعیدی - اسکندر احمدی عدلی - یوسف کهن - حسن آلپ - محمد ریاهی - رضا آشتیانی - علی اصغر مهائی - حسن جول زاده - رضا طاهری - علی اکبر فرهمند - صمد چوبک - خلیل پرندیان - هوشنگ گنجوی - خسرو قرائی - مجید گنجویان - محمد باقر طالقانی - مهدی پرتو - احمد زاهدی - رضا سادات - خونی - منوچهر افشاری - جهانگیر زمانی - محمود هاشمی - علی اشرف صمدی - حسین میمندی نژاد - محمد مجلسی - رضا خسروانی - محمود ستایش - حسن شرقی - حسن شیوا - عبدالحمید نیازی - سیروس کسمائی - امین آشر - کامبیز محمودی - حسین هوشمند - رکنی - نصرالله صادق زاده - محمد حسین پیرنظر - ناصر شاملو - گودرز نیا - حمید زاهدی - احمد قیصری اصفهانی - رضا کلینی - فریدون فریور - مجید محسن زاده - محسن فتحی - سیاوش کسرائی - محمد حسین جورابچی - مهین دولت آبادی - ملکوتی - رجب زاده - وثوق مستوفی - علی اصغر طباطبائی - سید علی اصغر کاغذچی - حسن لیقوانی - یدالله سهرابی - شاهپور ایروانی - سلیم رکنی - محمد علی شاملو - علی صادقی - مصطفی صمدی - شاهپور زندیا - باقر درمانی - نقی مشیری - مشیری مهدی - فواد قادری - منوچهر تمدن - اسدالله غفاری - جهانگیر گودرزی - عزیزالله متحده - اسمعیل نقاب صفوی - حسین رازی - جواد فرصت - پیروی - حمزه اخوان تقوی - مصطفی قریشی - احمد هادیان - تقی کرمانی - علی اصغر ربانی - لاریزاده - محمد حسن صداقت - منصور مشکین پوش - فرهمند - موسی آشتیانی - محمد تهرانی - نصرالله ثقفی - مجید شمیرانی - محمود ابریشمی - ابراهیم شهیدی - ناصر دالائی - مهدی فلامکی - منصور معظمی - احمد معینی - حسن فرشید - محمد غفاری - عبدالله منصور = سید محمود رضوی نعمت اللہی - محمد خیراندیش - محمد علی امین - ابوالفضل نجفی - عباس عسگری - شیر مرد کامکار - منوچهر محسنی - مصطفی ارباب - علی اصغر زکی زاده - محمد مجد اردکانی - حسین طوسی - محمد کمانگر - محمود نجفی - ابوالقاسم مسعودنیا - خسرو ناظر پور - محمد هاشم جاوید - جلیل زرینه - هوشنگ مهدوی - مسعود حجازی - تنکابنی - شعاع الدین تقوی - طیران عابدی - حسن ابوسعیدی - علی موسوی - مهندس

مهدوی - امیر شاهی - پاشاخان - پرویز شرق - حیدر پاینده - پرویز پرویزی - حسین وحید تهرانی - حسین ساقری - احمد وفا - علی نقی عالی‌خانی - منوچهر زندی حقیقی - علی محمد بشری - انوشیروان رزاق منش - منوچهر زندی - ایرج شفائیان - ایرج زندی - روستائی - ابوالمجد حجتی - محمد فرهنگ - محمد روحانی - منوچهر محمدی - جعفر صدوقیان - فریدون فروهی - ناصر محبیان - فریدون طاهری - ج - نیروئی - امیر معظمی - امیر عرفانی - کریمیان - احمد احمدی - اخوان صادقی - علی بهگزین - منوچهر زیرک‌زاده - هرمز عبدالرحمنی - محمدصادق رسولی - ناصر مهاجر - محمد بوتربی - حسن واهب‌زاده - هاشم نبوی - فریدون نصیری - منصور قراچلی - سیروس امیدی - علی رضائی - منصور فرهنگ - شاهپور اردی - علی بینش - معزالدین ذوالفقاری - ج حجت - جهانگیر فرهنگ - موحد شرکت - حسین سیدی تباکی - محمد علوی - هوشنگ سیادتی - مصطفی ذوالقدر - تقی صادری - علی اکبر منجی - فرخ زاد تجلیلی - محمدعلی صمدی - رضا روشن طبری - نصرالله جالینوس - جعفر معینی - ابوالقاسم منصفی - ماری شیبانی مقدم - باهره فرهنگ - حسین انصاری - حسن نجفی - شیبانی - اکتشافی - ادیناده - حسین طبیب - اکبر زند وکیلی - محمد سالک - سهراب غفاری - عبدالله مقاره‌ای - محسن حداد - حسین بصیریان - امیر عبدالوهابی - محمدرضا عاملی تهرانی - اسمعیل اواجقی - محمدباقر زرکیشیان - کسائی - مرتضوی - مرتضی کیانوری - قراجه‌داغی - محمدعلی عسگری - تقی مکاره‌چیان - جواد منعمیان - جواد کوه پاه شاهپورزرد - یوسف ربیع‌زاده - غلامعلی شبکار - مهدی نوری افشار - فاتمه [فاطمه] سروری - لطفعلی زندوکیلی - مهدی شفیعی - علی اصغر عزیزی - جواد حقیقی - امرهوشنگ عسگری - حمید دیلمقانی - اسدالله آرام - عبدالحسین سعادت - جعفر زندوکیلی - وزیری پریش سرخوش - امیر بوسینا - جلال صدری - سید نعمت الله وحدتی - و خشوری.

سند شماره ۳

[نشان تاج و شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی

اداره دبیرخانه قانون‌گذاری

گردش ۱۵

شماره دفتر نماینده ۲۰۶۰۹

تاریخ رسیدن دبیرخانه ۲۷/۱۱/۱۶، نام آقای محمد کیهان و قریب یکصد و پنجاه نفر دیگر از پزشکان و مهندسين پایتخت، نشانی تهران

آقایان نمایندگان امروز که عمر امتیاز بانک شاهنشاهی برآمده و ملت ایران فرصت مناسبی جهت بدست آوردن استقلال پولی و اقتصادی خود بدست آورده است ما بنام ملت ایران توجه شما را بمسئولیت و وظيفه‌ایکه بعهده دارید معطوف داشته و انتظار داریم که برای حفظ استقلال پولی و اقتصادی ایران بتصویب قانون لازم جهت محدود ساختن عملیات بانکهای بیگانه در ایران بپردازید. امروز روز عمل و کوشش شما

است- کاری نکنید که نام شما در تاریخ ایران بخیانت - بی‌ارادگی و عدم توجه بمصالح ملک و ملت ثبت شود ما زا نقطه نظر لزوم تقویت بانک ملی ایران معتقدیم که بانکهای بیگانه باید در ایران طبق قانون معین و مشخصی عمل نمایند و با آنها باید بهمان طریقی عمل شود که کشورهای دیگر با بانکهای بیگانه رفتار مینمایند یعنی این بانک باید حداقل از قبول سپرده - اعطای وام در ایران افتتاح شعبات در شهرهای ایران خرید و فروش ارزهای خارجی محروم گردند- بنابراین از مقام محترم ریاست عالی مجلس شورای ملی استدعا رسیدگی دقیق داریم که تصمیمی برای این نارضایتی اهالی فراهم آورند- توضیح (در جلسه بهمن ماه / ۲۷ بوسيله آقای حائری‌زاده در جلسه علنی قرائت شده است) تاریخ دستور ۱۳۲۷/۱۲/۲۲ باید به نظر کمیسیون عرایض برسد.

چون منعقد کمیسیون عرایض و مجلس نیست بایگانی است [امضاء ناخوانا] ۱۳۲۸/۶/۲۰
اداره دبیرخانه

۲۷/۱۱/۷

سند شماره ۴

امتیاز بانک شاهی تمام شد

شصت سال اسارت اقتصادی خاتمه یافت

آیا امام حسین‌های تعزیه امروزی شمرهای فردا هستند؟

اوراق جراید و مطبوعات کشور را در سال ۱۳۱۲ بخوانید. خطابه‌ها و نطق‌های کسانی را که در مجامع و مجالس ایراد شده زیر و رو کنید قیافه کسانی که بنام ملت سنگ بسینه زده‌اند در نظر بیاورید.

تبلیغاتی که برای لغو امتیاز داری شده است و چراغانی و خوشحالی ملت ایران را پس از تمدید قرارداد امتیاز نفت در نظر بیاورید و بسا نتیجه حقیقی که عاید شده است بسنجید. حاصل این محاسبه کلاه بزرگی است که بر سر ملت ایران رفته است زیرا امتیاز را که در عهد استبداد شاه با اختیار تامی که بر ملک و ملت داشته از و نظر مشروطه و قانون اثری نداشت و با پشت هم‌اندازی و دسیسه‌بازی و رشوه دادن بدست آورده بودند در زمانی که مملکت باصطلاح مشروطه و مجلس داشته است و مثلاً نمایندگان ملت بر کرسی نشسته بودند بخیال خود نه تنها آنرا تثبیت نموده بلکه شصت سال هم بر مدت آن افزودند.

در سال قبل ضمن مقالاتی که راجع به نفت نوشته و در کتاب «ایران باید سویس آسیا گردد» از آنها یاد کرده‌ام هم‌میهنان را متوجه ساختم که تنها چراغانی نفت که از این هیاهو صد در صد نفع برده بود موضوع داشت و در برابر چنین اجحاف بزرگی که بعد از پانزده سال معلوم نیست برای چه منظوری سر و صدایش در آمده است ایرانیان بدون جهت خوشحالی کرده و چراغانی نموده بودند.

روزنامه‌نگاران آنوقت، خطباء، نویسندگان و تبلیغاتچی‌های آن روزها را که برای احقاق حق ملت ایران سینه‌چاک میکردند در نظر بیاورید و بقضاوت‌هایی که مردم در آن روزها درباره آن‌ها کرده‌اند مراجعه کنید خواهید دید همگی آن‌ها در نظر مردم اشخاص دانشمند و فهمیده و تحصیل کرده بوده و عموم مردم تصور می‌کردند اینها اشخاص میهن‌پرست و درستکار و حسن نیت آن‌ها محرز بوده است. آن‌ها که سنگ ملت

را بسینه زدند و ملت و گوسفندوار بدنبال خود بردند و تبلیغاترا بنحوی انجام دادند که ملت بعوض عزا گرفتن شاد کرد دو دسته بودند یکی کسانیکه نفهمیده و نسنجیده آلت دست شده بودند و بعدا که متوجه شدند چه کلاه بزرگی سر ملت ایران رفته است از کرده پشیمان شده‌اند، دسته دیگر اشخاصی بودند که وظیفه مزدوری و چاکری و بندگی و جاسوسی را انجام داده‌اند و در عین اینکه در نظر مردم وطن‌پرست جلوه میکرده‌اند خائن درجه اول و اشخاصی بودند که سبج احوال ایرانی داشته فارسی را سلیس صحبت کرده و مینوشتند.

ولی صد در صد بیگانه و فاقد خون ایرانی و عرق وطن‌پرستی بودند. بعضی از این‌ها که در باطن بکشور خیانت کرده‌اند بحدی در خطابه‌ها و نوشته‌ها و گفته‌های خود باربابان تاخته و فحش به انگلیسها داده‌اند که خواننده را به تعجب می‌اندازد. امروز عده‌ای از این مزدوران بیگانه زیر خاک سرد خوابیده و هفت کفن پوسانده‌اند و اولادانشان بجای پدر بخدمتگزاری مشغول و در راهی که پدر رفته بود قدم گذارده‌اند زیرا خیانت و مزدوری و جاسوسی در مملکت ما موروثی شده و فامیل‌های خیانت کار مورد حمایت و بر مقدرات ما بعنوان مختلف حکومت میکنند. عده‌ای دیگر باقیمانده و کیل و وزیر و صدراعظم و سفیر کبیر و روزنامه‌نویس و خلاصه همه کاره ملت هستند منتهی قیافه آن‌ها عوض شده و چون پرده‌های عقب رفته است این بازیگرها که دیروز امام حسین تعزیه بودند شمر و یزید شده و چون ملت ایران فراموشکار و بند و بست اینها با یکدیگر زیاد است ممکن است در آینده تغییر قیافه داده در لباس غنخوار و دوست ملت در آیند. آنچه محرز و مسلم و لایتغیر میباشد و ملت باید بر آن واقف گردد این است که ماهیت چرخاننده تعزیه تغییر نکرده است و بازیگران صحنه سیاست کشور ما در هر لباسی جلوه‌گر شوند از یک قماش بوده و منبع تحریک آن‌ها یکی است.

پس از ذکر این مقدمه اجازه می‌خواهم باصل مطلب پردازم و راجع به جریانات اخیر که بمناسبت پایان یافتن امتیاز بانک شاهی در کشور براه افتاده و اذهان را متوجه کرده است و اعلامیه اخیر که بامضای استادان و دکترها و روشنفکران و اصلاح‌طلبان رسیده و در مجلس نیز خوانده شده و یکی از وکلاء آن را قابل توجه تلقی کرده است بحث کنم در تمام این نوشته...ها و اعلامیه‌ها و گفته‌ها شدیدترین حملات سیاست استعماری و استثمار انگلستان شده و صد یک مضرات بانک شاهی و فجایعیکه در مدت شصت سال بانک شاهی انجام داده است توضیح داده شده و نتیجه‌ایکه گرفته شده این است: «این بانک‌ها باید حداقل از قبول سپرده، اعطای وام در ایران، افتتاح شعب در شهرهای کشور و خرید و فروش ارز خارجی محروم گردند.

من وقتی که آن عبارات مشمشع را دیدم و نتیجه بالا را مشاهده کردم بیاد شخصی افتادم که در زیر کارد جلاذ قرار گرفته و در حال دست و پا زدن از جلاذ درخواست می‌کند سرش را از قفا برد. من نمیخواهم بگویم امضاءکنندگان این اعلامیه امام حسین‌های امروز تعزیه سیاسی ما هستند که فردا شمر از کار درمی‌آیند زیرا با آن‌هاییکه آشنائی دارم میدانم حسن نیت داشته و تا امروز قدمی برخلاف مصالح میهن برداشته‌اند ولی با مراجعه به بعضی از آن‌ها شنیدم گفتند.

«مگر میشود یکمرتبه پای انگلیسیها را که در رگهای حیاتی ما ریشه دوانده اند قطع کرد؟ مگر مسکن است اینهمه تأسیسات را یکمرتبه از انگلیسیها پس گرفت؟ فرض کنیم ما بخواهیم مگر آنها عقلشان کم شده که آن‌ها را بما واگذار کنند!»

من نمی‌دانم این چه طرز تفکر است که ما ملت گرفتار آن شده‌ایم. برای ریشه کن کردن سرطان باید غده را سوزانید و با چاقوی جراحی آن را قطع کرد. برداشتن نصف غده سرطان و اجازه دادن به نصف دیگر برای ادامه حیات فایده ندارد زیرا چند صبحی که گذشت سرطان بزرگتر از اولی خواهد شد.

شصت سال قبل از امتیاز بانک شاهنشاهی بیک فرد انگلیسی بنا توصیه وزیر خارجه انگلستان و دستیاری یکعده مزدور و جاسوس که فرزندان آن‌ها امروز بر رأس امورند داده شده است.

شصت سال تمام بنا باعتراف دانشمندان و روشنفکران و استادان و اصلاح طلبان و عموم اقتصادیان امتیاز بانک شاهی، پایگاه اقتصادی که از پایگاه نظامی بالاتر می‌باشد داده شده است. شصت سال تمام بانک شاهی با در دست داشتن پول این مملکت اقتصادیات ایران را بنفع دولت انگلستان چرخانده و سیاست پولی ما را به میل خود مورد استفاده قرار داده است.

امروز که امتیاز خاتمه می‌یابد و باید موسسات خود را تحویل داده و بساط خود را برچیند بند آیا خنده‌آور نیست عده‌ای دانسته و دسته‌ای ندانسته بجای قلع ماده و خاتمه دادن باین وضعیت تقاضای حداقلی کرده‌اند؟ بعدها مانند تمديد امتیاز نفت معلوم خواهد شد و بنا به تقاضای ایرانی، با فکر ایرانی و با ابتکار دانشمندان اقتصادی و روشنفکران و استادان و فشار ملت کلاه بزرگی سر ملت ایران رفته و پایگاه نظامی برقرار مانده و کماکان شیره ملت کشیده شده است و تمام این تظاهرات نتیجه‌ای شبیه به سر و صداهائی که برای لغو امتیاز داری در سال ۱۳۱۲ بر پا بوده است.

بعضیها میگویند:

«در کف شیر ز خونخواره‌ای
غیر تسلیم رضا کو چاره‌ای»

«ایرانیها بیخود جوش می‌زنند، بانک شاهی میماند و چون اطمینان به بقاء خود داشته است عمارت جدیدی ساخته و دستگاه خود را عریض و طویل کرده است.»
برخی از اوضاع دلسرد و اظهار می‌دارند: «ای آقا، بفرض اینکه بانک شاهی بسته شود چه فایده دارد، وقتیکه دستگاه حاکمه این مملکت بدستور آنها رفتار می‌کند بانک شاهی باشد یا نباشد نتیجه یکی است و کلاه سر ما خواهد رفت!»

اگر این گفته‌ها صحیح است و ملت ایران در این گیر و دار صیغه مبالغه است پس این تظاهرات برای چیست؟ این جنب و جوش برای تثبیت موقعیت دیگران چه معنی دارد.» شما که عقیده دارید سر ما را خواهند برید دیگر تقاضای اینکه از قفا ببرند چه فایده دارد؟ شما جنبش میکنید و بورش می‌آورید برای اینکه وکلای بی‌موکل، زمامداران نالایق و عروسک بنا بدستور برای تسکین شما کلاه فعلی را بردارند و کلاه گشادتری بر سر ملت بگذارند.

نگارنده بنا بوظیفه ملی و وجدانی خود در کتاب «ایران باید سویس آسیا گردد» اثبات کرده‌ام که موقعیت

فعلی دنیا بما اجازه میدهد بیطرفی خود را حفظ کرده و از زیر یوغ اسارت سیاسی و اقتصادی که ۱۵۰ سال است دست و پا میزنیم خارج شویم.

اوضاع فعلی دنیا و رقابت دول بزرگ بهترین موقعیت را برای ما مهیا ساخته است که فکر چاره اساسی بکنیم و از بین شیرهای نر خونخوار که بجان یکدیگر افتاده‌اند جان بسلامت بدر بریم. فکر ته اینست که همین رقابت دول بزرگ بما اجازه گفتن حقایق را داده است.

ای کسانیکه سنگ ملت را بسینه میزنید!

ای امام حسین‌های تعزیه برای اینکه فردا شمر و یزید تعزیه نشده و مورد تنفر جامعه قرار نگیرید! (هر چند که برای شما فرق ندارد)

ای میهن‌پرستانیکه ندانسته آلت دست گردیده و بعد از کرده خود پشیمان میشوید:

ای کسانیکه تصور میکنید اگر اختیارات بانک گرفته شور شیر بی‌دم و سر و اشکم میشود: (در حالیکه وجود بانک‌های خارجی حتی در فرانسه و کشورهای دیگر سیاست اقتصادی آن کشورها را زیر و رو کرده‌اند و با وجود مقررات سخت در حدودی سیاست مالیشان تحت‌الشعاع قرار گرفته است) بدانید:

امروز که موقعیت بدست آمده و امتیاز بانک شاهی بعد از شصت سال خاتمه مییابد ملت ایران برچیدن بساط بانک شاهی را خواستار است و بس

در خاتمه متذکر می‌گردد نگارش مقالاتی در مورد رد مقوله‌نامه نفت شمال سبب گردید به آزادیخواهان متکی به دیگران مترجم بدانند. این بیانیه بدون شک باعث خواهد شد مرتجعین هواخواه بیگانه در جهت عکس قضاوت کرده آزادیخواهم بخوانند ولی ملت ایران بعد از هشت سال مبارزه میداند که فقط منافع و مصالح ایران را در نظر داشته و بیگانه برایم بیگانه بوده است و چون معاون اتحادیه بین‌المللی ضد راسیسم هستیم و بیگانه برایم بیگانه بوده است و چون معاون اتحادیه بین‌المللی ضد راسیسم هستیم و با هر گونه تفوق و برتری مبارزه میکنم و برتری اقتصادی را اساس و پایه برتری سیاسی و باصطلاح وسیله استعمار و استثمار میدانم این بیانیه را در این موقع خطیر طبع و از روش همیشگی خود پیروی کرده برایگان انتشار دادم و برای تمام مطبوعات ارسال میدارم تا در معرض قضاوت هم‌میهنان گذارده شود. «اگر جرایم مزدور از درج آن خودداری نمایند بر آنها هرچی نیست زیرا جز انجام وظیفه، وظیفه‌ای نمیشود بآنها تحمیل کرد

دکتر میمندی نژاد

بهمن ۱۳۲۷

چاپخانه موسوی

نمونه ۱۶

شماره دفتر نماینده

شماره گذشته

بوزارت



مجلس شورای ملی

اداره دبیرخانه قانون گذاری

مهرش ۱۵

تاریخ رسیدن به دبیرخانه ۱۶/۱۲/۲۷
نام و نام خانوادگی نماینده
نشانی

Handwritten text in Persian script, likely a petition or official communication, with a large circular stamp in the center.

تاریخ دستور ۲۲ / ۱۴ / ۱۳۲۷

Handwritten signature and date: ۱۳۲۷/۹/۲۰

Handwritten signature and date: ۱۳۲۷/۹/۲۰

پیام بهارستان / د، س، ۱، ش، ۱ و ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۸۷

۷۹

امتیاز بانک شاهمی تمام شد

شصت سال اسارت اقتصادی خاتمه یافت

آیا امام حسین های تعزیه امروزی شهرهای فردا هستند؟

افراد گزینده و مطبوعات کشور را در سال ۱۳۱۲ بمبارانید - نماینده مطلق های کشانی را که در مجامع و مجالس ایراد شد بیورود کنیز و بیانه کبابیکه بنام مملکت سپیده زده اند زود بیورود - تبلیغات تیکه برای افو امتیاز را و می شده و بر افرادی و خوشحالی ملت ایران را پس از ندره قرار داد امتیاز نقد نظر نیابودید و در بانک ملی ما به همدست بنشیند - حاصل این مصیبت کلاه بزرگی است که بر سر ملت ایران سادست زیرا امتیازها است که در همه استیضاهات با اختیار تامی که در بانک زمان داشته این نظر مشروطه و قانون اثری نداشتند پیشته مملکت و در پیجی بازی و دشواری اجتناف پست آوردی بودند در زمانی که مملکت با مصالح مشروطه و مجلس شرفت است و ملانسان بیانه گمان ملت بر کسری نشسته بودند خیانت خود به نهادهای تثبیت نموده بودند که ملت همه بر ملت آن اثرزدند.

بیکانه زبر خاک سر خرابیده وقت کفن پشیمانانند اند و اولاً دستان بجای سپهر بنده متنگاری مشغول در در راهی که پسر وقت بودم گذاروه اند زیرا خیانت و زوری و جاسوسی در مملکت ما - موروثی شده و طریق های شایسته کارمورد ساحت و بر مقررات ما بپشاورین مختلف حکومت میکنند. همه ای دیگر با ناپایانه رهشوار و وزیر و صفر اعظم و سایر کبیر و روزنامه نویس و غلامه همه کارمزد مستند منتفی ثباته آن ها حریف شده بودند پرده ما هم طغیان است این بازرگان ها که بیورود امام حسین بپزیدند بودند شیر و زبیده شده و چون مشتریان فراموشکنان و پند و بند آنها بیکدیگر زیار است منگن است در آینده تغییر نیامده و در راهی از لیبی شغوار و دوست ملت در آینه - آنچه معجزی مسلم و لایبیز میباشند ملت نباید بر آن واقف گردد این است که مامیت برجسته نهایی تیکه را که استواران و بنگران صحنه سیاست کشور را در هر ایامی جلوه گر نموده از یک قنای برده و متعین تحریک آن ها یکی است -

و در سال قبل شین مغلطاتی که واجب بهت نوشته و در کتاب «ایرانیان پایه مونس آسیا گرد» از آثار ایراد کرده ام مبنایات را متوجه شده مانتد مکتب تهاجرانی نقد که از این ایام مورد ستیغ نفع برده بود و خوش داشت دور با زمین اجتناف بزرگی که به نواز یا برون سال موفقم نیست برای «منظوری سرور سدایش در آینه است ایرانیان بدون جنده خوشحالی کرده و جرفانی برده بودند.

روزنامه تگلان نوشته، خطابه و نوشته های و تبلیغاتی های آن روزها را که برای احقاق حق ملت ایران میباید نظر مردم آن روزها و در طول دوره آن ها کرده اند مرجم کنیز ترانه یه شبگی آن کرده اند و در کتاب «ایرانیان پایه مونس آسیا گرد» از آثار ایراد کرده ام مبنایات را متوجه شده مانتد مکتب تهاجرانی نقد که از این ایام مورد ستیغ نفع برده بود و خوش داشت دور با زمین اجتناف بزرگی که به نواز یا برون سال موفقم نیست برای «منظوری سرور سدایش در آینه است ایرانیان بدون جنده خوشحالی کرده و جرفانی برده بودند.

و در روزنامه تگلان نوشته، خطابه و نوشته های و تبلیغاتی های آن روزها را که برای احقاق حق ملت ایران میباید نظر مردم آن روزها و در طول دوره آن ها کرده اند مرجم کنیز ترانه یه شبگی آن کرده اند و در کتاب «ایرانیان پایه مونس آسیا گرد» از آثار ایراد کرده ام مبنایات را متوجه شده مانتد مکتب تهاجرانی نقد که از این ایام مورد ستیغ نفع برده بود و خوش داشت دور با زمین اجتناف بزرگی که به نواز یا برون سال موفقم نیست برای «منظوری سرور سدایش در آینه است ایرانیان بدون جنده خوشحالی کرده و جرفانی برده بودند.

و در روزنامه تگلان نوشته، خطابه و نوشته های و تبلیغاتی های آن روزها را که برای احقاق حق ملت ایران میباید نظر مردم آن روزها و در طول دوره آن ها کرده اند مرجم کنیز ترانه یه شبگی آن کرده اند و در کتاب «ایرانیان پایه مونس آسیا گرد» از آثار ایراد کرده ام مبنایات را متوجه شده مانتد مکتب تهاجرانی نقد که از این ایام مورد ستیغ نفع برده بود و خوش داشت دور با زمین اجتناف بزرگی که به نواز یا برون سال موفقم نیست برای «منظوری سرور سدایش در آینه است ایرانیان بدون جنده خوشحالی کرده و جرفانی برده بودند.

و در روزنامه تگلان نوشته، خطابه و نوشته های و تبلیغاتی های آن روزها را که برای احقاق حق ملت ایران میباید نظر مردم آن روزها و در طول دوره آن ها کرده اند مرجم کنیز ترانه یه شبگی آن کرده اند و در کتاب «ایرانیان پایه مونس آسیا گرد» از آثار ایراد کرده ام مبنایات را متوجه شده مانتد مکتب تهاجرانی نقد که از این ایام مورد ستیغ نفع برده بود و خوش داشت دور با زمین اجتناف بزرگی که به نواز یا برون سال موفقم نیست برای «منظوری سرور سدایش در آینه است ایرانیان بدون جنده خوشحالی کرده و جرفانی برده بودند.

و در روزنامه تگلان نوشته، خطابه و نوشته های و تبلیغاتی های آن روزها را که برای احقاق حق ملت ایران میباید نظر مردم آن روزها و در طول دوره آن ها کرده اند مرجم کنیز ترانه یه شبگی آن کرده اند و در کتاب «ایرانیان پایه مونس آسیا گرد» از آثار ایراد کرده ام مبنایات را متوجه شده مانتد مکتب تهاجرانی نقد که از این ایام مورد ستیغ نفع برده بود و خوش داشت دور با زمین اجتناف بزرگی که به نواز یا برون سال موفقم نیست برای «منظوری سرور سدایش در آینه است ایرانیان بدون جنده خوشحالی کرده و جرفانی برده بودند.

برای اینکه و تکلای بودند، زمامداران تلافی و هراسان بنا به دستور برایشان شا کلاه غلبی را برداشت و کلاه کفار تری سر مات بگذارند تکلمه در بوظیفه علم و وجدانی خود در کتب و ایران پایه مونس آسیا گرد اثرات کردیم موفقیت یی زما بسا آنچه میدهد بیطرفی خود را حفظ کرده سنه ۱۳۰۰ سال است روت و با زمین غلب خودیم. انواع غلب دنیا و رقابت دول و بزرگ چهرین بصیرت را برای ما مبنای سادست که فکر چاره اساسی کنیم و از این میریاری نه خوشنواره که بپایان بکنیم. اما افتد انجان بسلامت بوریم، مگر نه اینست که همین وثایت دول بزرگ است (اگرچه گفتن مخلیق اراده است، ای کبابیکه شکفت ما بیسیا میباید ای امام حسین مای تحریک برای اینکه فردا هم و بیاید تیره نشد و مورد تقدیر چشمه گره گزیریه (هر چه که برای شما فرق دارد) ای همین بر منستیکه ندانسته که دست گردیده و بداد از گره خود ریشمان میباید

امروز که موفقیت بدست آمد و امتیاز بانک گفته خود خیر بود از شصت سال خاتمه میباشند ایران بر چهان بساط بانکهای را خواستار است و پس



چاپخانه مری ۵ سن ۱۳۲۲

دکتر میندی ژان

۵۰۰

۶۹

جناب آقای نخست وزیر

اداره دوا

۴۰۱۳۷۳

در این روزهای تاریخی که میهن ما باریکترین دقایق سیر تاریخی خود را می بیند یعنی موضوع شرکت نفت ایران و انگلیس و بانک سابق شاه موسسه خارجی از اوضاع غیر طبیعی مملکت سوء استفاده نمود و یکا رخود کمافی السابق ادا میس میدهند و از طرفی بواسطه يك سوء قصد خائنه ای که يك خائن به میهن مرتکب شده و يك سکوت آمیخته با تهمتی سراسر مملکت را فرا گرفته و هر ایرانی با شرف و وطن پرستی را این موقعیت دعوت بسکوت میکند لذا این جانب بنام يك ایرانی وطن پرست از طرف پانزده هزار نفر که زیر نامه ضمیمه را امضاء نموده و در نزد این جانب میباید نامه بیوست را - تقدیم میداد و تقاضای رسیدگی فوری دارم و ضمنا یاد آور میشوم که اگر کوچکترین غفلتی بود بخود دادا ناست که ملت ما با چند سال دیگر دچار شوم ترین زندگی خواهد بود.

با تقدیم احترام نفی موسوی بنما یندگی یا نوده هزار نفر

۱۳۳۲
۷، ۱۲، ۳۱

رونوشت برای اطلاع مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی تقدیم میشود

روزنامه پانزده تیرماه ۱۳۳۲
شماره ۲۱۵۰۹
۱۳۳۲، ۱۲، ۳۱

۱۵۵۵
۱۲/۴

در این موقع که دولت بر حسب بند (ه) از ماده واحده مهوب ۳۰ مهرماه ۱۳۳۶ از طرف مجلس شورا یملی مکلف گردیده است ((در کلیه مواردیکه حقوق ملت ایران نسبت به منافع ثروت کشور اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است بخصوص راجع به نفت جنوب بمنظور استیفای حقوق ملی مذکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورد و مجلس شورا یملی را از نتیجه آن مطلع سازد)) مشغول مذاکره با کمیانی نفت جنوب گردیده و اخیراً نیز نمایندگان نفت جنوب بطهران آمده و جناب آقای گلشایان وزیر دارایی به سمت نمایندگی تام الاختیار از طرف دولت انتخاب و با هیئت نامبرده مشغول مذاکره میباشند و نظر حفظ مصالح کشور و علاقمندی به منافع عمومی واجب و لازم میدانیم تذکر ذیل را به هیئت دولت داده و مصرا تقاضای انجام آن را بنمائیم :

تصور میکنیم جای کوچکترین تردیدی نباشد که موضوع نفت یکی از مسائل مهم دنیای امروز است و در چنین موقعی که میتوان گفت یکی از فصلهای تاریخ این کشور است و تصمیمات دولت نسبت به منافع و ذخایر زیرزمینی در باره نسل های آینده مؤثر خواهد بود و نسل حاضر که این ذخایر را از نیاکان خود امانت گرفته مکلف است عیناً به نسل های آینده تسلیم نموده و یا اینکه بنفع کشور و مصالح و منافع آیندگان اقدام در استخراج و یادادن امتیاز نماید و از طرفی موضوع نفت پستک موضوع بسیار مهم و فنی و مخصوصاً در موقعی که دارندگان و یا گیرندگان امتیاز تابع دولتیگانه باشند از نظر سیاست بین المللی و جهت رفقا و لحاظ حقوق بین المللی شعب مختلف و متعددی پیدا میکند که میتوان صریحاً گفت در دنیای متقدم امروز فردی پیدا نمیشود که به تنهایی صلاحیت کامل در دقت و فهم تمام موضوعات ورشته های مربوط به نفت و دادن امتیاز و یا تجدید نظر در امتیاز باشد و چنانچه سایر دول در چنین مواقع یک یا دو نماینده تام الاختیار را انتخاب میکنند افراد و عناصر متعددی که هر یک در رشته های لازم و ضروری مربوطه موضوع تخصص دارند بعنوان مشاور تعیین مینمایند و نماینده تام الاختیار هیچوقت نمیتواند بدون تصویب و نظر آنان تصمیمی اتخاذ نموده و یا سندی امضاء کند .

خیانتی را که دربار مظفرالدین شاه در ۱۹۰۱ درواگذاری امتیاز نفت جنوب به ویلیسام کنوکس داریسی بدون دقت و مطالعه و جلب نظر کارشناسان فنی نموده موجب شد که تا سال ۱۹۳۲ ثروت

(۲)

کشوریه رایگان بدست اجانب افتاده که آن خیانت مستلزم لعن و نفرین ابدی نسبت بدریارنا مبرده گردیده است.

غفلت و مسامحه ایکه در سال ۱۹۳۲ در موقع تجدید امتیاز نفت جنوب که منتهی به تمدید شوم و مضربرای کشور گردیده باین نتیجه رسید که پس از تغییر حکومت امضاء کننده امتیاز نفت ملت ایران متفق الکلمه در مقام استیفای حق خود برآمده و تقی زاده وزیر دارائی کا بینه وقت را که امضاء کننده قرارداد بوده در مجلس شورا یملی خائن بمصالح عمومی معرفی کرده و مجلس شورا یملی بموجب ماده واحده دولت را مکلف به استیفای حقوق ملی نسبت به نفت جنوب نموده است.

فلاکه مذاکرات در جریان است دولت با سعی متوجه باشد که آقای گلشایان صلاحیت و تخصصی در موضوع نفت نداشته و مستشاران ایرانی که برای ایشان انتخاب شده اند و عیار تنداز آقایان جها نگیرود کمر بیرنیا که هر دو نفر تخصصان صرفا در این است که هر یک مدعی رئیس ادارا امتیاز و معادن بوده اند آقای نظام الدین امامی کمیسر نفت و آقای دکتر شادمان معاون ایشان نیز نه خودشان دعوی تخصص دارند نه ملت ایران برای آنان چنین صلاحیتی قابل اعتد و البته از نظر اینکه هر یک سوا بقیه ادارای در باب نفت جنوب دارند قهرا اطلاعات آنان که مستند به پرونده های مربوطه است در موقع لایمها بد مورد نظر هیئتی که تعیین میشوند قرار گیرد و اطلاعات شخصی آنان نیز استفاده شود ولی بهیچ نحو نمیتوان هیئت مستشاری نماینده تمام الاختیار دولت را آقایان نامبرده دانست و کارشناسان فنی نیز که از دولت فرانسه استخدام شده و با ایران آمده اند با تجارب تلخی را که ملت ایران از مستشاران خارجی مخصوصا در باب نفت دارد و افرا د بر جسته آنها ارمیتا و اسمیت و متخصص حسابداری مکلین تانک بوده و هر یک هر قدمی را که برداشته اند بضرر دولت ایران بوده نمیتواند به نظریه و فکر مستشاران خارجی تسلیم گردد و بنا بر این این جانبان از نظر حفظ مصالح کشور و توجه به رشته های مختلفی که در موقع مذاکره امان نظر دقیق در آن رشته ها ضرورت دارد مخصوصا از نظر مسائل سیاسی و حقوقی بین المللی و رابطه کاملی که مسائل اقتصادی با قضایای سیاسی دارد بدون در نظر گرفتن حسب و بغض و سعه بندی های مختلف و صرفا از نظر تخصص و اطلاع بیشنهادمینما شیم که اشخاص زهره ریک از نظر رهعهما می که تعیین میشود از طرف دولت انتخاب شده و هیئت مستشاری نماینده تمام الاختیار دولت

(۳)

امپران را تشکیل داد و با مراجعه بسوابق و کسب اطلاعات اداری اداره امتیازات و کمیسر نفت و جلب نظر مستشاران استخدام شده از فرانسه پروژه های لازم تهیه و پیشنهادات نمایندگسان کمپانی را مورد دقت و بررسی قرار داد و با توجه به مسئولیت تاریخی خود خدا و وجدان و مبالغ این ملت ستم دیده را در نظر گرفته عملی انجام دهند که دیگر نسلهای آینده به نسل حاضر به گناه بریادادن ثروت کشور لعنت و نفرین ابدی نکنند .

چنانچه فوق اشعار شد چون ورود در باب مذاکره نفت و اتخاذ تصمیم مستلزم مطالعه و دقت در رشته های مختلف سیاسی ، اقتصادی ، حقوقی و فنی میباشد لذا این جانبان هم نسبت به بزرگ از رشته های مختلف اشخاصی را در نظر گرفته و بدولت معرفی مینمایم و چون جزعلاقه مندی بکشور هیچ موجهی برای پیشنهاد معروض در بین نیست امیدواریم هیئت دولت و نمایندگان مجلس نیز که علاقه بحفظ منافع ملی نشان میدهند پیشنهاد این جانبان را قبول نموده و هر چه زود تر اشخاصی را که ذیلا معرفی میشود دعوت کرده و هیئت مستشاری را تشکیل دهند .
از نظر دقت در مسائل سیاسی و توجه بعواقب سیاسی هرگونه پروژه ای که طرح شود جناب آقای دکتر صدق و جناب آقای اللهیار صالح و جناب آقای محمود نریمان .

از نظر سوابق تاریخی امروآشنائی به انواع امتیازاتی که در باب نفت در دنیا داده شده و روابط مالی و اقتصادی امتیاز دهند و امتیاز گیرنده : آقای محمود محمود نماینده مجلس شورای ملی آقای ابوالفضل لسانی وکیل دادگستری .

از نظر حقوقی آقایان دکتر سنجابی و دکتر حسن امامی استادان دانشگاه .
از نظر اقتصادی و روابط ارزی آقایان دکتر عزیززهی استاد دانشگاه و دکتر علی اکبر مدنی .

از نظر فنی و تخصصی نفت آقای مهندس سیف اله معظمی و آقای مهندس هما یونفر که هر دو نفر در رشته -
موضوع نفت تحصیل کرده و مهندس شده اند .

این بود پیشنهاد این جانبان که صرفا برای صالح مملکت بعرض هیئت دولت و نمایندگان مجلس شورای ملی میرسد و امیدواریم که دولت و مجلس نیز با اهمیت امر توجه نموده و پیشنهاد این جانبان را هر چه زود تر عملی سازند .

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- علی‌اکبر ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۲۷)، ص ۲۵۷.
- ۲- جرج .ن. لرد کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ترجمه: غ. وحید مازندرانی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹)، ص ۶۱۵.
- ۳- عبدالحسین نوائی، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصر، ج ۲ (تهران: هما، ۱۳۷۷)، ص ۷۶۵.
- ۴- ولایتی، همان، ص ۲۵۹.
- ۵- کرزن، همان، ص ۶۱۸.
- ۶- ولایتی، همان، ص ۲۵۹.
- ۷- کرزن، همان، ص ۶۲۰.
- ۸- نوائی، همان، ص ۷۶۹.
- ۹- ولایتی، همان، ص ۲۹۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی